

نقش تعاونیها در سازماندهی

بخش غیررسمی اقتصاد

توسعه و ... ولی تاکنون با واژه اقتصاد غیررسمی کمتر مواجه شده‌ایم زیرا این وادی کمتر مدنظر اقتصاددانان قرار گرفته است. در حالی که این بخش در بیشتر کشورهای در حال توسعه حدود ۶۰-۵۰ درصد نیروی کار را در برمی‌گیرد و ۶۰-۴۰ درصد "GDP" را تولید می‌کند.

در کشور ما هم حجم این بخش حدود ۴۰٪ از "GDP" تخمین زده می‌شود. علیرغم اهمیت این بخش در اشتغال و GDP کشور تا به حال تحقیقات جدی در این زمینه صورت نگرفته است. تحقیق حاضر بر آن است که ضمن بررسی و شناخت این بخش در سطح استان خراسان برآوردی از حجم فعالیت آن را در سطح استان ارائه نموده و به ارائه پیشنهادهایی جهت بهبود بهره‌وری در سازماندهی فعالان این بخش بپردازد. به منظور دستیابی به اهداف فوق تحقیق حاضر شامل بخشهای زیر است:

۱-۱- بخش خانوار

در این بخش کالاهای و خدماتی تولید می‌گردد که جنبه خود مصرفی دارد و یا درون خانواده‌ها به طور پایاپای (تهاتری) مبادله می‌گردد و لذا کمتر به بازار عرضه می‌گردد. از سوی دیگر کالاهای تولیدی توسط این بخش به علت خود مصرفی بودن و مبادله پایاپای با خانواده‌ها فاقد قیمت می‌باشد و ارزیابی ارزش آنها دشوار می‌باشد و در نتیجه در حسابهای ملی منظور نمی‌گردد. بهترین مثال برای فعالیت در این بخش خدمات خانه‌داری خانمهای خانه‌دار می‌باشد که بابت آنها بهایی پرداخت نمی‌گردد و در نتیجه تمام یا قسمت عمده آن در حسابهای ملی منظور نمی‌گردد و باعث تورش به سمت پایین درآمد جوامع می‌گردد.

به طور خلاصه می‌توان بیان کرد که در بخش خانوار مبادلات بازاری وجود ندارد ولی تولید و توزیع ماهیتی قانونی دارند و مخالف قانون نمی‌باشند.

۲-۱- بخش غیررسمی

تولیدکنندگان جزء، کسبه، کارکنان

افراد جامعه توجه شود مشاهده می‌گردد که بخش عظیمی از اعضای جامعه در مشاغل فعالیت دارند که تحت نظارت دولت نمی‌باشد و می‌تواند در امور سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح اختلال ایجاد کند. به منظور بررسی و شناخت چنین فعالیتهایی می‌توان از ابزارهای علم اقتصاد بهره جست.

علم اقتصاد به شناسایی و بررسی پدیده‌ها می‌پردازد تا بتواند از بطن آنها قاعده‌های کلی استخراج نماید و به وسیله این قاعده کلی به پیش‌بینی و اثرگذاری بر حرکت پدیده‌ها و رویدادهای اقتصادی بپردازد. علم اقتصاد دارای شاخه‌های متعددی می‌باشد که در هر یک از شقوق به زمینه‌های خاصی توجه می‌شود، این زمینه‌ها عبارتند از: اقتصاد رفاه، اقتصاد پولی، اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، اقتصاد

● محمدطاهر احمدی
عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

بخش اول

۱- مقدمه

یکی از پدیده‌ها و مشکلات اقتصادی که اکثر کشورهای جهان بالاخص کشورهای کمتر توسعه یافته با آن مواجه هستند پدیده بیکاری و نحوه اشتغال افراد آن جامعه می‌باشد. زیرا اشتغال افراد باعث می‌گردد که فرد از نیروی فکری و بدنی خود در جهت امرار معاش خود و خانواده استفاده نماید که این امر پاسخگوی بسیاری از نیازهای فرد، خانواده و جامعه خواهد بود. در صورتی که عدم اشتغال و بیکاری پیامدهای وخیمی در امور اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه می‌تواند به بار آورد. از طرفی چنانچه به نحوه اشتغال

اقتصاد غیررسمی در مفهوم وسیع به فعالیتهایی اطلاق می‌گردد که در حسابهای ملی ثبت و ضبط نمی‌گردد و به نوعی با قوانین اقتصادی مرتبط با درآمد، اشتغال، بهداشت و سایر موضوعات منطبق نیست. براساس تعریفی دیگر اقتصاد غیررسمی عبارت از مجموعه فعالیتهای اقتصادی - چه در بخش تولیدی و چه در بخش خدمات - شهروندانی است که کوشش دارند خارج از مدار و چهارچوب تعیین شده اقتصاد رسمی به وسیله کسب درآمد بیشتر نیازهای خود را تأمین نمایند

خدمات تجاری، حمل و نقل و دیگر خدمات غیررسمی در این بخش قرار می‌گیرد تولیدات و خدمات بخش غیررسمی برخلاف تولیدات بخش خانگی یا به صورت کالا و خدمات واسطه به سایر تولیدکنندگان ارائه می‌گردد یا به صورت کالا و خدمات نهایی به مصرف می‌رسد. هرچند که در این بخش با آمار مبتنی بر قیمت مواجه هستیم ولی به علت دشواری و پرهزینه بودن جمع‌آوری اطلاعات آماری، ارقام معاملاتی این بخش در حسابهای ملی منظور نمی‌گردد. همان‌طور که بیان شد در این بخش مبادلات بازاری وجود دارد و از لحاظ ماهیت تولید و توزیع ممانعت قانونی برای آن وجود ندارد.

۱-۳- بخش نامنظم

در این بخش مبادلات بازاری برای کالا و خدمات وجود دارد. به طوری که از لحاظ تولید نیز ماهیت قانونی آن محرز است. ولی از لحاظ توزیع فعالیتهای تولیدی و خدماتی صورت گرفته در این بخش از ماهیت غیرقانونی از قبیل: فرار مالیات، فرار از مقررات کار و ایمنی کارگاه، اصول بهداشتی و همچنین تقلب در بیمه‌های اجتماعی و امثال آن برخوردار است. این بخش از گستردگی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است و لحاظ نشدن آن در حسابهای ملی باعث گمراهی سیاستگذاران و برنامه‌ریزان اقتصادی خواهد شد.

۱-۴- بخش غیر قانونی (جنایی)

فعالیهایی که در بخش غیرقانونی انجام

از سویی عبارتند از: کمک همسایگان به یکدیگر مثلاً در ساختن خانه، کار اعضاء خانواده در شرکت، خانه یا مزرعه مشترک، برای بالا بردن میزان درآمد کل خانواده، مسافر کشتی با ماشین‌های شخصی، فعالیتهای گروه خودیار، و از سویی دیگر بالا کشیدن مالیات دولت، تقلب با سوپسید و استفاده غیرمجاز از امتیازات سوپسیدی، سرهم کردن صورتحسابهای غیرواقعی برای فرار از پرداخت عوارض و مالیاتها، سیاه‌کاری، به کار واداشتن بچه‌ها، فعالیتهای اقتصادی فروشندگان دوره‌گرد به علت عدم امکان تشکیل پرونده مالیاتی برای آنان، فعالیتهای غیرمجاز و کناری پژوهشگران و کارمندان دولت، تولید کالاهای غیرمجاز همانند: تولید مشروبات الکلی در ایران، تقلب و کلاهبرداری از طریق نسخه‌های پزشکی و یا نظرات کارشناسی غیرواقعی (برای مثال گواهی لزوم مسافرت برای معالجه به خارج و استفاده از ارز دولتی) چاپ غیرمجاز بدون اجازه کتابهای چاپ نشده، تکثیر غیرمجاز صفحات و یا نوارهای منتشر شده و فروش ارزان آنان در بازار، تجارت مواد مخدر و یا تولید آن، خرید و فروش اجناس دزدی و قاچاق، تجارت خرید و فروش کودکان، دزدیدن اموال و فرار از محل کار، دزدی ساعات کار و یا استفاده از ساعات کار رسمی برای مقاصد شخصی، روسپی‌گری و دایر کردن عسرتکه، گرفتن و دادن رشوه، فروش کالا در بازار سیاه، خرید و فروش غیرمجاز ارز، استفاده غیرمجاز از اموال دولتی و ... این فهرست را می‌توان بی‌نهایت ادامه داد.

علیرغم گوناگون بودن این فعالیتها کلیه آنها دارای یک وجه مشترک معین هستند و آن اینکه این فعالیتها و آثار اقتصادی آنان خارج از روابط مبادلاتی و نقل و انتقالات پولی و رسمی انجام گرفته و به همین دلیل نیز در آمارها و محاسبات اقتصادی رسمی ظاهر نمی‌گردند.

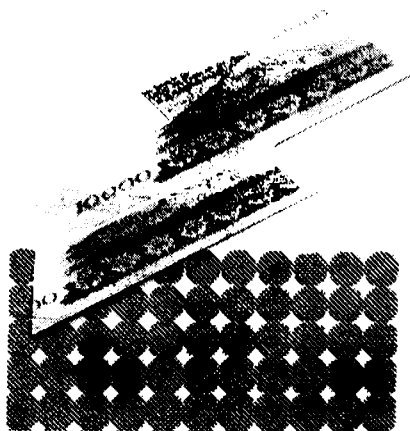
۳- علل ایجاد بخش غیررسمی

در شرایط کنونی و حتی در آینده‌ای

می‌شود مبادلات بازاری دارد ولی تولید و توزیع کالا و خدمات در این بخش با ماهیت غیرقانونی مواجه است. برای بخش جنایی فعالیتهایی از قبیل دزدی، ارتشاء، اخاذی، کلاهبرداری، غصب، قاچاق، تولید و خرید و فروش مواد مخدر، فحشاء (در برخی از کشورها) ترور، جنایت و ... را می‌توان نام برد.

۲- تعریف اقتصاد غیررسمی

اقتصاد غیررسمی در مفهوم وسیع به فعالیتهای اطلاق می‌گردد که در حسابهای ملی ثبت و ضبط نمی‌گردد و به نوعی با قوانین اقتصادی مرتبط با درآمد، اشتغال، بهداشت و سایر موضوعات منطبق نیست. براساس تعریفی دیگر اقتصاد غیررسمی عبارت از مجموعه فعالیتهای اقتصادی - چه در بخش تولیدی و چه در بخش خدمات - شهروندانی است که کوشش دارند خارج از مدار و چهارچوب تعیین شده اقتصاد رسمی به وسیله کسب درآمد بیشتر نیازهای خود را تأمین نمایند. این فعالیتها



به عبارت دیگر می‌توان گفت علیرغم افزایش شدید نرخ بیکاری در شهرها به دلایلی از جمله رشد جمعیت، مهاجرت و آزادسازی نیروی شاغل غیرماهر در کشاورزی؛ در ایران برنامه‌های اقتصادی دولت بر مبنای گسترش فعالیت‌های صنعتی، خدماتی و کشاورزی سرمایه‌بر با تکنولوژی بالا و نیاز به نیروی انسانی متخصص بوده است که این خود نقش بسیار مهمی را در ایجاد و گسترش فعالیت‌های غیررسمی بر عهده داشته است.

نسبتاً طولانی وجود بخش غیررسمی حتی در ابعاد مذموم آن مانند دستفروشی خیابانی، قاچاق کالا به داخل و خارج از مرزها و ... اجتناب‌ناپذیر بوده است و حتی رو به گسترش است. قطعاً جهت کنترل و به حداقل رساندن و در عین حال افزایش جنبه‌های مفید آن باید عوامل مؤثر بر ایجاد و گسترش این گونه فعالیت‌ها را شناسایی کرد و از طرف دیگر شناخت علل و ریشه‌های بخش غیررسمی می‌تواند در امر سیاستگذاری دولت را یاری نماید.

۳-۱- دلایل ایجاد بخش غیررسمی در ایران

در بررسی اوضاع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... ایران توجه به این نکته ضروری است که کشور ما در دوران ۲۰ (بیست) سال گذشته یک دوران پرتلاطم و انقلابی را سپری کرده است. بر اثر تغییر و تحولات ساختاری ناشی از جابجایی قدرت سیاسی ساختار اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی (و در این میان بویژه بخش اقتصادی) دستخوش تغییر شد. ساختار تشکیلاتی و اداری قدیم دگرگون شد و ساختار نوینی تضح گرفت که ویژگی‌های خاص خود را دارد. این تحولات ساختاری نه تنها از دامنه سیاست‌های دولت سالارانه اقتصادی حاکم در پیش از انقلاب نکاست بلکه بر اقتدار دولت در حوزه اقتصاد افزودند؛ در نتیجه نارسایی و زیانهای ناشی از قرن‌ها سلطه دولت بر روند اقتصادی جامعه ادامه یافت. از این‌رو با بررسی تاریخ معاصر اقتصاد ایران در می‌یابیم که از سوی به دلیل دولت سالاری در حوزه اقتصاد و از سوی دیگر به علت

فقدان شرایط سیاسی لازم برای شکوفایی و پویایی ابتکارات خلاق و نوآورانه، اصولاً در ایران قشر اجتماعی قابل مقایسه با کارخانه‌داران و سرمایه‌گذاران صنعتی موجود در کشورهای صنعتی، امکان انراز وجود و ایفای نقشی جدی در فرآیند تکامل اقتصادی را نیافته است. این امر نیز بی‌شک بر روند تکاملی اقتصاد جامعه بی‌تأثیر نبوده است و نیست.

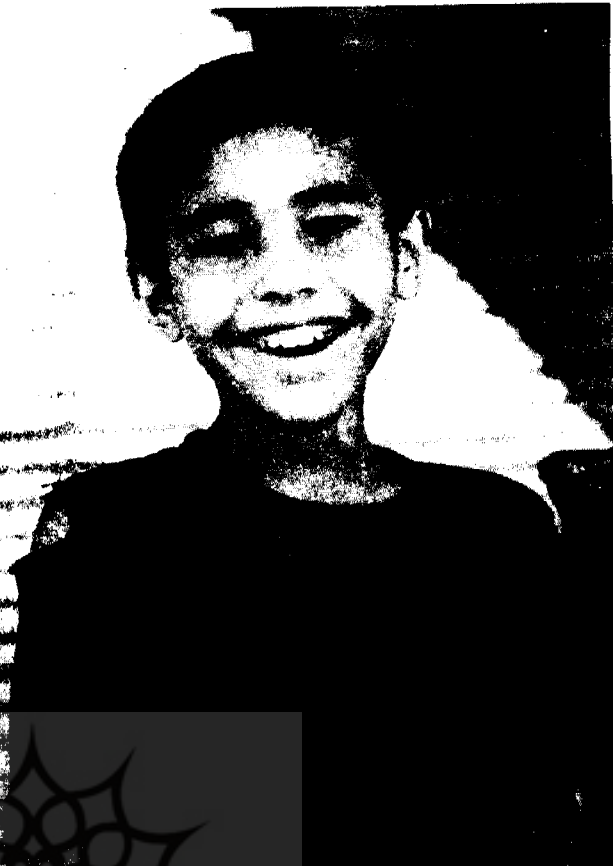
اقتصاد غیررسمی پدیده‌ای لازم و در ارتباط با وجود دولت است. این فعالیت‌ها وجود دارند و خواهند داشت زیرا برای کسانی که به این فعالیت‌ها دست می‌زنند با توجه به شرایطی که دولت در بخش‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایجاد می‌کند فعالیتی معقول، ضروری و مهم به شمار می‌آید. فعالیتی که به کمک آن گروه‌ها شاغل در بخش غیررسمی اقتصاد می‌توانند نیازهای زندگی اقتصادی خود را خارج از مدار رسمی اقتصاد بدست آورده و به حیات اقتصادی خود ادامه دهند. پس اگر این فعالیت‌ها پیش از حد رشد کنند بدان دلیل است که فعالیت در بخش رسمی اقتصاد مشکل‌تر و پردغدغه‌تر شده است و این امر نیز باعث هجوم افراد به بخش غیررسمی شده است علاوه بر آن شرایط کار و فعالیت و کسب درآمد در بخش غیررسمی اقتصاد جذاب و آسان شده است.

با عنایت به بحث‌های فوق می‌توان عوامل مؤثر بر ایجاد بخش غیررسمی را در اقتصاد ایران به دو بخش کلی تفکیک کرد. دسته اول: عواملی که ریشه در دخالت بی‌حد و حصر دولت در اقتصاد دارند این موضوع را که می‌توان در سه قالب زیر جای داد.

۳-۱-۱- تعدد و گوناگونی قوانین و مقررات مؤثر بر فعالیت‌های اقتصادی شاید در هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران تعداد قوانین، آیین‌نامه‌ها، تصویب‌نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که بر روند تصمیم‌گیری اقتصادی شهروندان تأثیر مستقیم و یا غیرمستقیم داشته و دارند به اندازه دوره بیست ساله گذشته نبوده است. قوانین و مقررات متعدد مربوط به تعیین حدود فعالیت‌های بخش خصوصی، قوانین مالیاتی، قوانین کار و امور اجتماعی، قوانین مربوط به قیمت‌گذاری، تخصیص ارز و اعتبارات تجارت خارجی، توزیع دولتی خوار و بار و کالاهای مصرفی و چندگانگی نرخ‌های کالا و ... از جمله قوانینی بوده که در ارتباط مستقیم با فعالیت‌های اقتصادی جامعه قرار دارند و به طور محسوسی آزادی عمل عاملان اقتصادی را محدود کرده و حضور آنها را در بخش رسمی اقتصاد مشکل و پرخطر می‌سازد یا اینکه زمینه پیدایش فعالیت‌های جدیدی مانند سوداگری روی ارز، کوپن و بازار سیاه کالاهای متعدد را ایجاد می‌کند.

۳-۱-۲- تعداد و میزان قدرت ارگانهای دخالت‌کننده در اقتصاد

در پیامد تغییر و تحولات ساختاری ناشی از انقلاب تعداد زیادی از ارگانها و مؤسسات جدید و عمدتاً بر پایه اهداف اقتصادی اجتماعی و فرهنگی نظم جدید سیاسی به وجود آمدند که هرکدام از آنها ضمن حل مقطعی بعضی از مشکلات، در بلندمدت باعث ایجاد ناکاراییهای عیدیه‌ای در سیستم اقتصادی کشور و رشد بخش غیررسمی شدند. اصولاً تجربیات و پژوهش‌های اقتصاددانان این مسئله را ثابت می‌کند که هرچه دخالت دولت در اقتصاد بیشتر شود و هر چه تعداد قوانین و مقررات و ارگانهای ناظر که تصمیم‌گیری اقتصادی عاملان را محدود می‌کند بیشتر باشد، اعتبار سیاست‌های دولت نزد عاملان اقتصادی مخدوش شده و آنها را به پرهیز از رعایت قوانین و مقررات و عدم پایبندی به توصیه‌های اقتصادی دولت و از طرفی



جمعیت نشان می‌دهد که در دوره زمانی ۶۵-۱۳۵۵ نرخ رشد جمعیت به شدت افزایش یافته و از ۲/۷ به ۲/۹ می‌رسد و به تبع آن جمعیت فعال نیز از رشد ۲/۵ درصدی برخوردار می‌شود. (از ۹۷۹۶ هزار نفر در ۵۵ به ۱۲۲۸۲ هزار نفر در ۶۵ رسید) که این امر خود نرخ بیکاری را گسترش می‌دهد از طرف دیگر در همین دوره بار تکفل نیز ۲/۸ به ۲/۵ می‌رسد. در همین دوره ترکیب جمعیت بسیار جوان شده است به طوری که در سال ۶۵ (شصت و پنج) ۲۷٪ جمعیت بین ۲۵-۱۰ سال قرار داشته‌اند و در حدود ۲۲٪ بین ۱۰ تا ۲۵ سال قرار گرفتند که اینها در دهه آینده به تدریج وارد بازار کار شده و مشکلاتی را ایجاد می‌کنند و در دوره بعدی ۶۵-۷۵ هرچند نرخ رشد جمعیت کنترل شد اما هنوز از توان جذب اقتصاد بسیار فراتر بوده است. در دهه هشتاد با شروع جنگ تحمیلی و گسترش کنترل دولت بر اقتصاد، سهمیه‌بندی، جیره‌بندی و کاهش توان تولید اقتصاد بیکاری رو به گسترش نهاد و زمینه را برای ایجاد فعالیتهای غیررسمی گسترش داد.

۳-۲-۲- رشد شهرنشینی

ایران از نظر میزان رشد جمعیت شهرنشین که طبق مطالعات نظری این نیز یک عامل مهم در گسترش بخش غیررسمی است، همچون رشد جمعیت از بیشتر کشورهای در حال توسعه جلو زده است برای مثال در سال ۱۹۸۹ از حدود ۱۰۰ کشور در حال توسعه تنها حدود ۲۰ کشور جمعیت شهرنشینی بیش از رقم ۵۶ درصد همانند جمعیت شهرنشین در ایران را داشته‌اند افزایش شدید جمعیت و جوانتر شدن آن نیروی کار جوان و حتی میانسالان رها شده از بخش کشاورزی را برای پیدا کردن شغل و بدست آوردن درآمد به سوی شهرها گسیل داشته است و روز به روز بر وسعت و تعداد شهرها افزوده گشته است و اقتصاد ایران نیز در شهرها قدرت جذب این سیل عظیم جمعیت را نداشته است در نتیجه این جمعیت به سوی بخش خدمات و

بسیار مهی را در ایجاد و گسترش فعالیتهای غیررسمی بر عهده داشته است. ۳-۲-۲- دسته دوم: عواملی هستند که ریشه در تغییرات جمعیتی و توسعه اقتصادی دارند. به عبارت دیگر تحولات سریع جمعیتی در قرن اخیر حجم جمعیت را به شدت افزایش داده و ترکیب آن را به نفع جمعیت جوان جو بای کار و شغل تغییر داده است و از طرف دیگر شرایط اولیه رشد و توسعه اقتصادی با به کارگیری تکنولوژی سرمایه بر و مکانیزاسیون کشاورزی این فشار جمعیت جوان به اقتصاد را افزایش داده است که از این حیث می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۳-۲-۱- رشد بالای جمعیت

مطالعه تطبیقی میزان رشد جمعیت که یکی از عوامل اصلی گسترش بخش غیررسمی در کشورهای در حال توسعه بوده است، نشان می‌دهد که در چند دهه اخیر، بویژه در دهه ۱۹۸۰، این عامل در ایران با شدت بیشتری در جهت توسعه این بخش عمل کرده است. بررسی روند رشد

دیگر باعث ترغیب و تحریک عوامل اقتصادی و شهروندان به روی آوردن به بازارهای سیاه و معاملات غیرقانونی می‌نماید.

۳-۱-۳ این عامل که اساساً به کشورهای صادرکننده نفت منحصر می‌شود گرایش دولت به حمایت از تولید انبوه محصولات صنعتی و کشاورزی است که عموماً متکی بر تکنولوژیهای سرمایه بر و منابع ارزی حاصل از صدور نفت بوده است و رشد ناچیز فرصتهای شغلی در بخش صنعت برای جذب نیروی کار آزاد شده از بخش کشاورزی را در پی داشته است.

به عبارت دیگر می‌توان گفت علیرغم افزایش شدید نرخ بیکاری در شهرها به دلایلی از جمله رشد جمعیت، مهاجرت و آزادسازی نیروی شاغل غیرماهر در کشاورزی؛ در ایران برنامه‌های اقتصادی دولت بر مبنای گسترش فعالیتهای صنعتی، خدماتی و کشاورزی سرمایه بر با تکنولوژی بالا و نیاز به نیروی انسانی متخصص بوده است که این خود نقش

شاید بتوان گفت که پیدایش و گسترش بخش غیر رسمی در چند دهه اخیر که کم و بیش معاش بخش بزرگی از جمعیت فعال شهری کشورهای در حال توسعه را تأمین کرده و واکنش اقتصادی این گروه به ناسازگاری راهبردهای توسعه اقتصادی با شرایط بومی به ویژه امکانات محیطی، فنی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه بوده است

فعالیت‌های غیررسمی و بعضاً کاذب روی آورده‌اند.

به طور مثال بررسی‌ها نشان می‌دهد در استان خراسان شهرهایی وجود دارند که رشد جمعیت آنها نه تنها اندک بلکه منفی است (شهرستان گناباد رشد منفی داشته است) و با خالی شدن روستاها از سکنه و هجوم به مناطق شهری مرکز استان در وسعت فعالیت‌های غیررسمی افزوده شده است. در مورد جمعیت شهرنشین می‌توان گفت که در یک دوره ۲۰ ساله جمعیت شهرنشین از حدود ۶ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ به حدود ۲۷ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ رسیده است.

۳-۳-۳- توسعه بخش کشاورزی

این عامل که در جریان توسعه اقتصادی امری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود حاصل از مکانیزه شدن بخش کشاورزی است که این امر منجر به عرضه اضافی نیروی کار در این بخش شده است. رشد و توسعه اقتصادی هرچند اندک در ایران بخصوص در ۴ دهه اخیر قرن بیستم شرایط تولید را در بخش کشاورزی بهتر کرده و با مکانیزه کردن این بخش و پیشرفت تکنولوژی در این بخش نه تنها بخش کشاورزی جذب‌کننده جمعیت فعال نیروی کار نبوده است، بلکه بخشی از نیروی کار موجود خود را آزاد کرده است. از طرف دیگر به دلیل عدم تناسب برنامه‌های اقتصادی بخصوص بخش صنعت با شرایط اقتصادی جامعه، صنعت نیز قدرت خلق فرصت‌های شغلی جدیدی را در حدی که بتواند عرضه کار را جذب کند، نداشته است و در نتیجه مازاد عرضه نیروی کار راهی بجز رجوع به فعالیت‌های غیررسمی جهت تأمین معاش خود ندیده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت در فرآیند توسعه اقتصادی کشور، چون بخش صنعت قادر

نیست کل نیروی کار روزافزون را جذب کند کاهش اندازه اشتغال بخش کشاورزی در واقع به معنای گسترش فعالیت‌های اقتصادی غیررسمی خواهد بود.

۴- مهاجرت نیروی کار از روستا به شهر و رشد شهرنشینی

کاملاً واضح است که مهاجرت به خودی خود نمی‌تواند دلیلی برای وجود فعالیت‌های غیررسمی و غیرقانونی در یک جامعه باشد مهاجرت در یک جامعه صنعتی می‌تواند ناشی از نیاز واحدهای تولیدی به نیروی کاری باشد که در بخش کشاورزی به صورت، مازاد وجود دارد و مازاد ناشی از رشد و توسعه این بخش بوده است. اما در مورد ایران وضعیت به گونه‌ای دیگر است. نابرابری‌های شدید شهر و روستا عامل جذب مهاجرین می‌باشد. در حالیکه ساختار صنعتی جامعه شهری فاقد توانایی لازم در جذب نیروی کار رها شده از روستا می‌باشد، که به دلیل وجود ضعف‌های اساسی و ساختاری در بخش کشاورزی کار و حرفه خود را ترک کرده‌اند نه به دلیل رشد و توسعه این بخش، بدین ترتیب نه عرضه و تقاضای کار هیچکدام ماهیت واقعی اقتصادی سالم نداشته و خیل مهاجرین عمده روستائی فاقد تخصص و مهارت جذب بخش غیررسمی اقتصاد می‌شوند که در این بین بخش واسطه‌گری، دلالی و دست‌فروشی بیشترین سهم را در جذب این مهاجران فاقد مهارت بر عهده دارد.

بخشی از این مهاجرین پس از گذشت سال‌های متمادی جذب اقتصاد شهر شده خود را در متن فرهنگی، اقتصادی شهر جای می‌دهند. اما بخش عمده‌ای از آنها با همان گرایش‌های سنتی خود و به دلیل فقدان قابلیت‌های لازم فرهنگی، اجتماعی، سیاسی

و اقتصادی قدرت تطبیق با شرایط جامعه شهری را نداشته، سالیان دراز در حاشیه شهر باقی می‌مانند و دوگانگی‌های مختلف را گسترش می‌دهند. فقدان تخصص و مهارت، بی‌سوادی یا کم‌سوادی، عدم تمایل و قدرت بخش صنعت در جذب از دلایل عمده ورود مهاجران به فعالیت‌های غیررسمی می‌باشد. ایران از نظر میزان رشد جمعیت مهاجر به شهر که طبق مطالعات نظری این نیز یک عامل مهم در گسترش بخش غیررسمی است، از بیشتر کشورهای در حال توسعه جلو زده است.

از یک سو عامل دفع‌کننده‌ای مانند: الگوی نادرست مالکیت زمین، پایین بودن سطح درآمد روستائی، عدم وجود امکانات رفاهی (خدماتی، بهداشتی و آموزشی) و مهمتر از همه عدم ایجاد فرصت‌های شغلی برای نسل جوان و تحصیلکرده روستائی و از سوی دیگر عوامل جذب‌کننده شهری، همواره نیروی کار را در کشور ما بر سر دوراهی قرار داده است. این عوامل اگرچه از دیرباز به عنوان عوامل جاذب در ایجاد پدیده مهاجرت نقش اساسی داشته‌اند، ولی در سالهای ۵۲-۱۳۲۱ عوامل فشار مهمترین عامل در مهاجرت روستائیان به شهر بوده‌اند. از آن جمله می‌توان توزیع غیر اقتصادی زمین در نتیجه اصلاحات ارضی و عدم حمایت از روستائیان خرده یا بعد از اصلاحات ارضی به ویژه از طریق احداث تعاونی‌ها و نیز در سه مرحله اجرا کردن اصلاحات ارضی را نام برد. از سال ۱۳۵۲ به بعد به علت افزایش ناگهانی درآمدهای نفتی و تعدیل برنامه عمرانی پنجم به طرف حمایت هرچه بیشتر از بخش‌های شهری و افزایش دستمزدها و جاذبه‌های شهری به عنوان عوامل جاذب، سیر مهاجرت روستائیان به شهرها را بیش از پیش شدت بخشید که از میان این دو گروه عوامل، عوامل جذب تأثیر عمیق‌تری بر مهاجرت

۳- جنبه‌های مثبت بخش غیررسمی

شاید بتوان گفت که پیدایش و گسترش بخش غیررسمی در چند دهه اخیر که کم و بیش معاش بخش بزرگی از جمعیت فعال شهری کشورهای در حال توسعه را تأمین کرده و اکثراً اقتصادی این گروه به ناسازگاری راهبردهای توسعه اقتصادی با شرایط بومی به ویژه امکانات محیطی، فنی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه بوده است. به بیان دیگر اندازه و ترکیب بخش غیررسمی در این کشورها، رابطه مستقیمی با میزان بیگانگی این راهبردها با وضعیت اقتصادی و غیراقتصادی آنها دارد. این واکنش اقتصادی از طرف خانوارهایی بروز می‌کند که از اجرای برنامه‌های توسعه آرمانگرایانه و نسخه‌پردازی شده از الگوی توسعه در جوامع غربی تنها بیکاری و فقر را بهره برده‌اند و لاجرم با فعالیت اقتصادی در بخش غیررسمی که با شرایط بومی سازگارتر است و در عین حال نه فقط از حمایت‌های مالی و غیرمالی گسترده دولت از فعالیتهای اقتصادی نوین بی‌بهره است، بلکه اغلب به عنوان پدیده‌ای انگلی مورد بی‌کوشند حداقل معیشت و در واقع بقای اقتصادی خود را تضمین کنند.

بنابراین می‌توان کم‌کمهای بخش غیررسمی را به اقتصاد جامعه به صورت زیر برشمرد:

۱- تا حد زیادی از انبوه بیکاری‌ها کاسته و برای آنهایی که نه راهی به کشاورزی دارند و نه به صنعت و خدمات دولتی، نوعی کار و اشتغال فراهم نموده و عملاً تعداد زیادی از افراد و خانواده‌هایی را از بیکاری و گرسنگی و از هم‌پاشیدگی و حتی مرگ نجات داده و می‌دهد.

۲- منبع اصلی درآمد برای قسمت اعظمی از ساکنین فقیر شهرها و روستاها می‌باشد.

۳- در موارد بسیاری وجود این مشاغل (مخصوصاً در بخش توزیع) نوعی ارزان‌فروشی است مانند:

دستفروشی که به دلیل نداشتن هزینه‌های اجاره محل، مالیات، شاگرد، تلفن و آب و برق و ... کالا را ارزانتر از هر جای دیگری عرضه می‌کند، باعث می‌شود که قیمت‌های آن برای طبقه پایین قابل تحمل گردد.

۴- ارائه یکسری کالاها و خدمات با قیمت‌هایی که بوسیله گروه‌های درآمدی پایین قابل تحمل می‌باشد و علاوه بر آن ارائه این کالاها و خدمات در محلهایی مناسب و کم هزینه برای خانوارها.

۵- کمک به رشد صادرات غیرنفتی به عنوان مثال مشاغلی همچون تولیدکنندگان فرش و صنایع دستی نقش مهمی در گسترش صادرات غیرنفتی دارند.

۶- موارد زیادی از تولیدکنندگان، هنرمندان و مبتکران به راحتی از طریق این بخش محصول و مصنوع و هنر خود را تولید و عرضه کرده است و تأمین و تشویق می‌شوند.

۷- در بسیاری اوقات مواردی از این بخش جنبه کارگشایی و کارپردازی داشته در صرفه‌جویی وقت مردم و خدمت، همراهی و رفاه عام و خاص تأثیرات فراوانی بر جای می‌گذارد. مسافران، مسافرکشی‌های شخصی و واکسی کنار خیابان، بلیط آزاد سینما، عرضه داروهای تایاب، در اختیار گذاردن مجله و روزنامه و سکه برای تلفن و خرید و فروش ارز برای مسافرت، فروش کتابهای کم‌یاب و ارزشمند، تدریس خصوصی در منزل و ...

۸- نداشتن موانع و مقررات و آزاد بودن از شرایط پیچیده کار و اشتغال، رسمی راه فعالیت را برای افراد علاقمند (چه عادی و چه متخصص) که آن شرایط را ندارند، باز گذارده بعضاً به تولید خدمات مفیدی نیز منجر می‌شود.

۹- چسبون بخش غیررسمی تنها تولیدکننده صنایع دستی و سنتی است، به حفظ فرهنگ محلی کمک می‌کند.

۱۰- از طریق ایجاد اشتغال برای کسانی که در طول بحرانهای اقتصادی شغل خود را از دست می‌دهند نقش مهمی در تعدیلات

ساختاری اقتصاد ایفا می‌کند در هنگام بروز رکود اقتصادی که منجر به بیکاری افراد شناساغل می‌شود و بخصوص در صورت عدم وجود بیمه بیکاری، بیکاران برای تأمین معاش خود به این فعالیتهای روی می‌آورند و با کسب حداقلی دوران رکود را به سلامت پشت سر می‌گذارند که این خود مانع از بروز اغتشاش و ناآرامی و فشارهای اجتماعی، سیاسی در جامعه خواهد شد.

از طرفی در آینده نیز به دلایل زیر بر اهمیت این بخش افزوده خواهد شد:

از یک طرف ظرفیت جذب نیروی کار در بخش کشاورزی به دلیل افزایش مکانیزاسیون رو به کاهش است از طرف دیگر به دلیل اجراء برنامه‌های تعدیل ساختاری و خصوصی‌سازی، شغل‌های خدمات عمومی رو به تقلیل گذاشته است و همین طور افزایش مکانیزاسیون در نگاه‌های بزرگ در مواجهه با شرایط رقابتی بازار به منظور کاهش هزینه‌ها باعث کاهش موقعیتهای اشتغال در اقتصاد می‌شود بنابراین اهمیت بخش غیررسمی در تأمین اشتغال نه تنها کاهش نخواهد یافت بلکه رو به افزایش خواهد گذاشت.

رویکرد فوق نسبت به کارکرد بخش غیررسمی در اقتصاد کشورهای در حال توسعه و ویژه ایران این پیامد قطعی را دارد که سیاستگذاران باید در قبال فعالیتهای این بخش که از جنبه‌های مختلف به ویژه میزان وابستگی به متغیرهای خارج از اختیار این کشورها موقعیت مساعدتری نسبت به بخش رسمی دارد نه فقط به دیده اغماص بنگرند بلکه از گسترش این نوع فعالیتهای که راهبرد بخش بزرگی از جمعیت کشور برای بقای اقتصادی است، رسماً حمایت نمایند.

